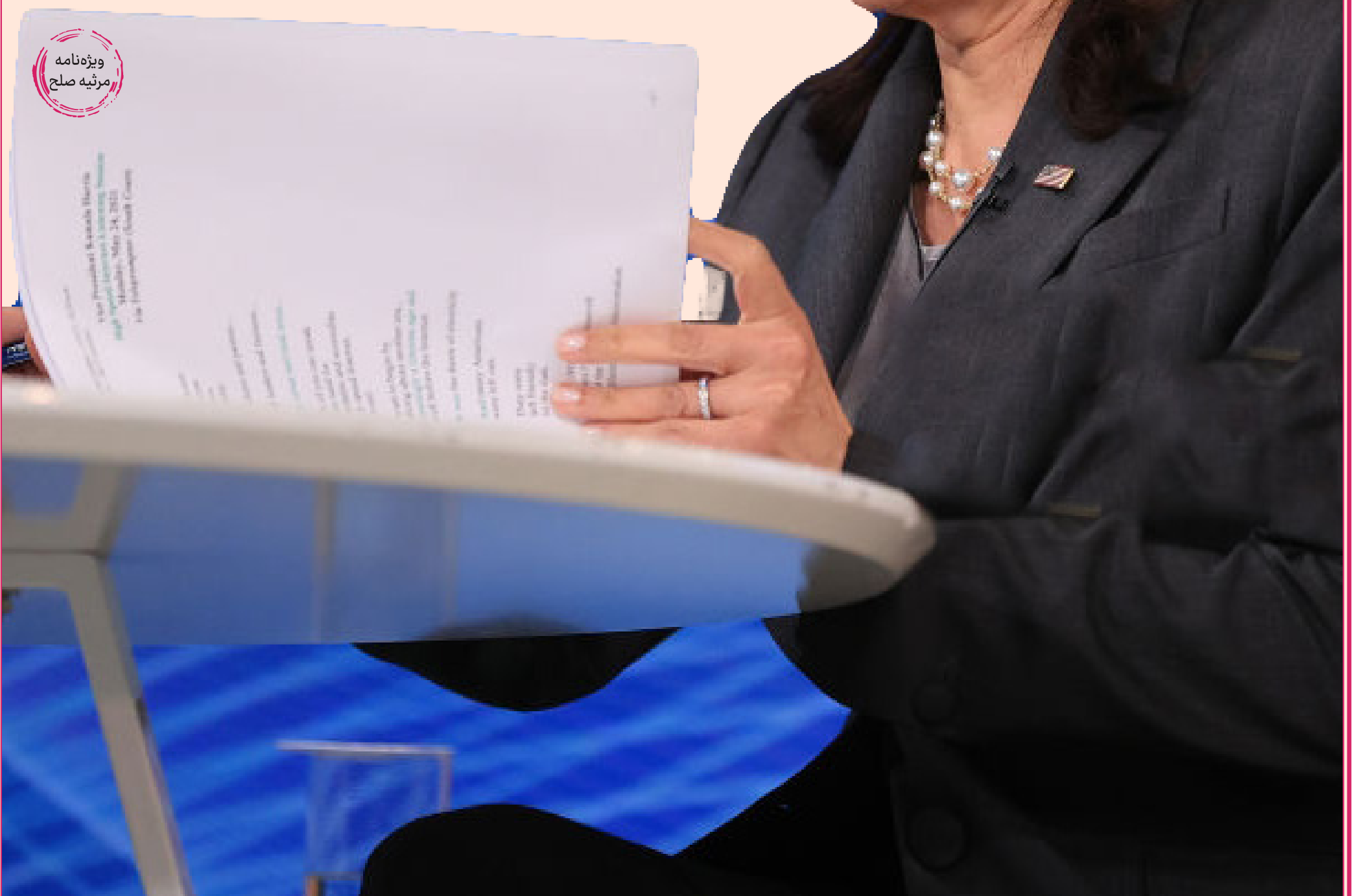


سال پنجم، شماره ۱۴۸، یکشنبه، ۲۰ سرطان ۱۴۰۰، ۱۱ جولای ۲۰۲۱

- ۴ زنان در کجای سیاست افغانستان قرار دارند؟
- ۴ سهم افغانستان از ۴۰ میلیارد دلار برابری جنسیتی
- ۵ در ولسوالی‌هایی که طالبان تصرف کرده چه می‌گذرد؟
- ۵ «دختری را که فراری دادی، پیدایش می‌کنیم»
- ۷ انواع ازدواج‌های اجباری در افغانستان
- ۶ چرا مشارکت زنان در اعمار صلح افغانستان، حیاتی است؟
- ۷ دادخواهی زنان افغانستان و منطقه برای توقف کشتار و تأمین صلح

نامه به معاون رئیس جمهور امریکا کامالا هریس

۱



نامه به معاون رئیس جمهور امریکا گامالا هریس

پیش از همه، حضور شما به عنوان اولین زن در مقام معاونت ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا، نوید فردای روشن برای مبارزات تاریخی زنان در مسیر آزادی، عدالت و فرصت‌های برابر است. در یک نگاه زنانه، حضور شما در کاخ سفید همانقدر که برای شخص شما ساده و آسان نبوده است، به همان تناسب برای زنان از امریکا تا سراسر جهان نیز یک رویداد تاریخی، معنادار و امیدبخش است. جناب معاون رئیس جمهور!

درست است که نام دیگر ایالات متحده امریکا «جهان آزاد» است. اما همین که شما اولین زنی هستید که به معاونت ریاست جمهوری امریکا رسیده است، گواه انکارناپذیر بر این واقعیت است که تا رسیدن به جهان آزاد و عاری از تبعیض و اسارت، جهان عاری از خشونت، فقر و نابرابری راه دراز در پیش است. به ویژه ما زنان تا رسیدن به آزادی و عدالت‌جنسیتی، هنوز به تلاش و مبارزه مداوم و به تعهد و شجاعت هریس‌تابمن‌های بسیار نیازمندیم تا حرکت روی «خط نجات» همچنان ادامه داشته باشد.

جناب معاون رئیس جمهور!

از افغانستان برای شما می‌نویسم. از کشوری که سرنوشتش بی‌گمان یکی از دشوارترین پرونده‌ها و سخت‌ترین ماموریت‌های شما و رئیس جمهور بایدن خواهد بود. به ویژه برای شما که به عنوان اولین زن قدرتمند در کاخ سفید حضور دارید. چون اداره‌ی شما در حالی تصمیم به بیرون کشیدن سربازان نظامی ایالات متحده از افغانستان گرفته است که پیامد این تصمیم، سرنوشت امنیت و ثبات افغانستان را در کل و سرنوشت دستکم ۱۵ میلیون زن در این کشور را به صورت خاص و جدی با خطر و تهدیدهای وحشتناک مواجه کرده است.

ما زنان افغانستان می‌دانیم که ۲۰ سال حضور سیاسی-نظامی ایالات متحده برای مبارزه با تروریسم، بازسازی افغانستان و برای حمایت از دولت‌سازی و نهادینه شدن دموکراسی و ارزشهای حقوق بشری در کشور ما مهم، تاثیرگذار و ارزشمند بوده است. پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در دوره طالبان، ما زنان افغانستان به حداقل حقوق انسانی و حقوق مدنی-سیاسی ما دسترسی نداشتیم. نه از حق دسترسی به آموزش خبری بود، نه از حضور انسانی زن در حیات اجتماعی-سیاسی. در آن دوره سیاه، حتی هویت فیزیکی یک زن به عنوان تابو محسوب می‌شد.

اما پس از حضور سیاسی-نظامی امریکا در ۲۰ سال گذشته، میلیون‌ها دختر و زن در افغانستان به مکتب رفتند و همه بر اساس قانون اساسی جدید که از نگاه ارزشی اعلامیه جهانی حقوق بشر را به رسمیت شناخته است به حق آموزش، حق کار، حق حضور و فعالیت اجتماعی و به حقوق مدنی-سیاسی به طور نسبی دست یافتند. زنان افغانستان با حمایت جامعه جهانی به رهبری ایالات متحده برای اولین بار در تاریخ افغانستان از حق رای و مشارکت سیاسی معنادار برخوردار شدند. کاندیدای ریاست جمهوری شدند.

با پشتوانه حق رای به کرسی پارلمان راه یافتند. در انتخابات‌های ریاست جمهوری و پارلمانی و شوراهای ولایتی، بیشترین مشارکت سیاسی را رقم زده‌اند و بخش انکارناپذیر از روندهای دموکراتیک بوده‌اند. مهم‌تر اینکه در این مدت، بیشتر از هر زمان دیگر به کرسی‌های دولتی حضور یافته‌اند. این زنان همان نسلی هستند که در دو دهه حضور جامعه جهانی به رهبری امریکا، تجلی ارزش‌های دموکراتیک و کارنامه افتخارآمیز امریکا و جامعه جهانی محسوب می‌شدند. زنانی که به ارزش‌های مطرح شده در این دو دهه مفهوم بخشیدند و به تدریج به الگویی از رهبران و متخصصان زن در منطقه خاورمیانه تبدیل می‌شدند.

جناب معاون رئیس جمهور!

همه ما می‌دانیم که فرصت‌ها و دست‌آوردهای ارزشی زنان افغانستان در ۲۰ سال اخیر، نه تنها ساده نبوده که خون‌پهای قربانی‌های بسیار است. قربانی‌هایی که سنگینش برای همیشه روی شانه‌های دولت و مردم امریکا و دیگر متحدین

بین‌المللی افغانستان که

در این راستا قربانی

داده‌اند، باقی

خواهند ماند.

همچنان که

روی شانه‌های

دولت و مردم

افغانستان.

ما می‌دانیم

که در این ۲۰

سال، بیش از دو هزار و سه صد (۲۳۰۰) نظامی زن و مرد آمریکایی در افغانستان کشته شده‌اند و بیش از ۲۰ هزار شهروند نظامی و ملکی امریکا در افغانستان مجروح شده‌اند.

ما زنان افغانستان از آنجا که نزدیک به ۵۰ سال را قربانیان مضاعف جنگ و خشونت در سرزمین‌مان هستیم، بسیار با صراحت می‌دانیم که با کشته شدن هر سرباز آمریکایی در افغانستان، دست‌کم یک خانواده در ایالات متحده امریکا دستخوش فاجعه و ویرانی شده است.

۴

ما زنان افغانستان می‌دانیم که ۲۰ سال حضور سیاسی-نظامی ایالات متحده برای مبارزه با تروریسم، بازسازی افغانستان و برای حمایت از دولت‌سازی و نهادینه شدن دموکراسی و ارزشهای حقوق بشری در کشور ما مهم، تاثیرگذار و ارزشمند بوده است.

ما زنان افغانستان درد و داغ زنان آمریکایی را که پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر و فرزندان در افغانستان کشته شده‌اند، عمیق‌تر درک می‌کنیم. ارزش قربانی‌شان را می‌دانیم. نمونه‌اش را شما این روزها در حرکت‌های اخیر در شمال افغانستان می‌بینید. زنانی که هر چند فرزندان‌شان را در راه دفاع از ارزش‌های نظام جمهوری در حملات تروریستی و در پشت سنگرهای نبرد با طالبان و دیگر گروه‌های افراط‌گرا از دست داده‌اند اما باز هم دست از مبارزه نکشیده‌اند و بعد از فرزندان، همسران و برادرانشان خودشان سلاح به دست گرفته‌اند تا از ارزش‌های دموکراتیک دو دهه اخیر در برابر سلطه طالبانی دفاع کنند. اگر امروز حتی زنان بی‌سواد و زنانی که به سن پیری رسیده‌اند، در برخی قریه‌جات بر ضد طالبان سلاح به دست می‌گیرند، به این دلیل است که ارزش‌های دموکراتیک در دو دهه اخیر به بخش حیاتی جامعه افغانستان بخصوص برای زنان تبدیل شده است. من یقین دارم که شما و بسیاری از مادران و زنان آمریکایی می‌توانید مفهوم این حرکت زنان افغانستان را به خوبی درک کنید.

در واقع، امریکا در مدت حضور سیاسی-نظامی در افغانستان همزمان با قربانی‌های سنگین انسانی، ۲۰ سال زمان صرف کرده است و بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برای بازسازی و دولت‌سازی، تامین امنیت و تحقق دموکراسی و حمایت از حقوق بشری مردم به ویژه زنان افغانستان به مصرف رسانده است.

جناب معاون رئیس جمهور!

تصمیم

رئیس جمهور بایدن برای بیرون کشیدن سربازان ایالات متحده از افغانستان، اقدام غافلگیرانه‌ای بود که همه مردم افغانستان به ویژه ما زنان را در قبال سرنوشت و آینده دست‌آوردهای ۲۰ سال اخیر نگران و ناامید ساخته است. چون، واقعیت انکارناپذیر این است

که نگاه و باور ایدئولوژیک و تئورانه‌ی طالبان نسبت به مساله زنان در افغانستان هیچ تغییری نکرده است.

همین چند روز پیش طالبان برای اولین بار در فضای مجازی روی کلب هاوس با زنان و نسل جدید افغانستان وارد گفت‌وگو شدند. اما، حرف اول و آخر طالبان این بود که نه انتخابات را به رسمیت می‌شناسند. نه حقوق بشر را. نه حقوق زن و سایر حقوق و آزادی‌های مدنی-سیاسی مردم افغانستان را. طالبان در صحبت‌هایشان در کلاب‌هاوس حقوق زن و حقوق مدنی-سیاسی را فساد و فرهنگ غرب معنا کرده‌اند و گفته‌اند در حکومت پس‌اصلاح به زنان اجازه کار در بیرون از منزل را نمی‌دهند. طالبان بار بار نشان داده‌اند که در تفکر و ایدئولوژی تئورانه این گروه ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری جای ندارند.

این همه در حالی است که پس از اعلام زمان خروج کامل نیروهای ایالات متحده امریکا توسط رئیس جمهور بایدن، سازمان‌هایی چون عفو بین‌الملل، دیدبان حقوق بشر، سازمان سیا و شماری از اعضای کنگره ایالات متحده در خارج از افغانستان نسبت به پیامد این تصمیم بر سرنوشت زنان افغانستان ابراز نگرانی کرده‌اند و در داخل افغانستان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و تمام زنان این کشور نسبت به پیامد تصمیم اداره شما برای خروج کامل سربازان‌تان از این کشور، نگران و وحشت‌زده هستند.

جناب معاون رئیس جمهور!

ایالات متحده امریکا پس از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر اساس قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد به هدف مبارزه با تروریسم، القاعده و طالبان حمله نظامی کردند. مبارزه با تروریسم، بازسازی افغانستان، دولت‌سازی و حمایت از دموکراسی و حقوق بشر از عمده‌ترین ماموریت‌ها و مسوولیت‌های امریکا در حضور نظامی‌اش به افغانستان تعریف شده بود. اما پس از ۲۰ سال حضور سیاسی-نظامی، سربازان ایالات متحده امریکا در حالی افغانستان را ترک می‌کنند که جنگ و خشونت در افغانستان در حال افزایش است. طالبان در کمتر از دو ماه نزدیک به ۱۰۰ ولسوالی را با جنگ تصرف کرده‌اند. در اکثریت از مناطق افغانستان خیزش‌های مردمی علیه طالبان در حال شکل‌گیری است. در چشم‌انداز امنیتی-سیاسی، احتمال سقوط افغانستان به جنگ‌های داخلی بسیار است. این یعنی پس از ۲۰ سال حضور نظامی امریکا به پاس رسیدگی به مسوولیتش در قبال «امنیت جهانی» و مبارزه با تروریسم در افغانستان، این کشور به دلیل خروج نظامی غافلگیرکننده امریکا یک‌بار دیگر دچار یک عقب‌گرد ارزشی و امنیتی-سیاسی شده است.

جناب معاون رئیس جمهور!

مردم افغانستان به ویژه ما زنان از حکومت و اداره رئیس جمهور بایدن و از شخص شما به عنوان یک زن در مقام معاونت ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا انتظار داریم؛

- با توجه به تعهد اخلاقی که ایالات متحده به اعلامیه جهانی حقوق بشر و حمایت از حقوق بشر دارد.

- با توجه به کلیه کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه صلح و توسعه و حقوق بشر که ایالات متحده به آن‌ها الحاق کرده است.

- با توجه به امضا شدن کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه تبعیض علیه زنان از سوی ایالات متحده.

- و در نهایت با توجه به مسوولیت‌های حقوق بشری و با توجه به مسوولیت‌های سیاسی که ایالات متحده در قبال مفهوم "امنیت جهانی" دارد، شما در چنین شرایط حساس مردم افغانستان و به ویژه زنان افغانستان را پس از ۲۰ سال حمایت یکبار دیگر در باتلاق جنگ و خشونت رها نکنید.

جناب معاون ریاست جمهوری!

در پایان این نامه بخاطر سرنوشت زنان افغانستان و بخاطر حذف ارزش‌ها و دست‌آوردهای ۲۰ ساله مردم افغانستان و به پاس احترام گذاشتن به خون بیش از ۶۰ هزار سرباز افغانستان و خون ۲۳۰۰ سرباز ایالات متحده برای دفاع از ارزش‌های مشترک در ۲۰ سال گذشته، با نوشتن این نامه از شخص شما به عنوان یک زن در مقام معاونت ریاست جمهوری امریکا می‌خواهم و انتظار دارم جهت پاسداری از این ارزش‌های مشترک و قربانی‌های مشترک، در فصل جدید از روابط میان افغانستان و ایالات متحده، اقدام به توجه و حمایت ویژه از زنان افغانستان را روی دست بگیرید. ما زنان امروز افغانستان از ظرفیت و توانایی کارا برای ایجاد یک رابطه موثر با دفتر شما برخورداریم. حضور شما در مقام معاونت ریاست جمهوری در کاخ سفید می‌تواند فرصت طلایی برای حمایت از زنان افغانستان باشد. لطف به عنوان یک زن و به عنوان بلندپایه‌ترین رهبر زن در دوره تاریخی امروز بیش از پیش به سرنوشت بیش از ۱۵ میلیون زن در افغانستان فکر کنید. به سرنوشت زنانی که در نتیجه خروج نظامی امریکا از افغانستان، فرصت‌ها و دست‌آوردهای ۲۰ ساله‌شان که حاصل قربانی‌های سنگین و مشترک امریکا و افغانستان می‌باشد، در معرض تهدید و عقب‌گرد قرار دارد.

با امید و احترام
فاطمه روشیان
۱۰ جولای ۲۰۲۱



همسر مرحوم

زهرا رحل

جان گدازتر از دیگران اشک می‌ریخت؛ ظاهرأً دختری بود که در حدود هفده یا هجده سال داشت. پیاپی تکرار می‌کرد که خودم را هرگز بخشیده نمی‌توانم چون دلیل مرگ تو، من بودم. پرسیدم که چه نسبتی با مرحوم دارد؟ ولی با شنیدن این سوال آه و ناله‌هایش را بیشتر شد.

زنی که در کنارش نشسته بود، گفت: این همسر مرحوم است. اما آن دختر انکار کرد و گفت: بخداً خانمش نیستم؛ با خواندن چند آیه و یک خطبه، نکاح درست نمی‌شود. با آنکه دلم به حالش می‌سوخت، ولی حرف‌هایش حس کنجکایم را برانگیخت. کنارش نشستیم، چند لحظه‌ای دل‌داریش دادم و ازش در مورد ازدواجش سوال کردم. گفت: به نام هم بودیم. تازه چشم به این دنیا باز کرده بودم که باه‌جان مرا به نامش کرد. همین‌گونه کودکیم را در عالمی از تصورات کودکی و دور از واقعیت‌های زندگی گذراندم. از خوب و بد دنیا چیزی را نمی‌فهمیدم؛ جز اینکه در مقابل حرف باه‌جان همیشه باید ساکت بود. زمانی که پا به دوران جوانی گذاشتم، انگار عقلم سر جایش آمد. تازه درک کردم که باه‌جان چه تصمیم بزرگی برای زندگی گرفته است. بارها کوشش کردم، اما هرگز دلم این‌را قبول نمی‌کرد که به نکاح پسر کاکایم باشم و یک عمر را کنارش بگذرانم. خودم را هزار بار با هزار دلیل قناعت دادم که این تصمیم باه‌جان است و تغییرپذیر نیست. اما نشد؛ دل من هرگز راضی به این وصلت نشد. از طرفی او پسر کاکایم بود؛ خوب می‌دانستم که او هم مرا نمی‌خواهد. حتی می‌فهمیدم که دلش را به یکی دیگری داده، ولی باه‌جان با آنکه می‌دانست که زندگی دو جوان را با یک قول خود بر باد فنا می‌دهد، نه تنها از تصمیمش منصرف نشد، بلکه قرار ازدواج‌مان را گذاشت. روز موعود که رسید، به پیش قدم‌های باه‌جان افتادم و تا حد توان گریستم. تمام جریان را به باه‌جان بازگو کردم. گفتم که هر دویمان راضی به این ازدواج نیستیم. از دامان باه‌جان محکم گرفته، ناله و زاری کردم؛ که از این تصمیمش بگذرد. چون همدیگر را دوست نداریم. ولی سخنانش هنوز در گوشم می‌پیچد. با لگد مرا از خود دور کرد و گفت: «دوست داشتن چیست بی‌حیا؟ با هر کسی که نکاحت بسته شد، با همان یک عمر زندگانت را میگذرانی و تمام.» به همین سادگی آن جمله‌ی سنگین را گفت و عملیش کرد. آن روز ما را بدون رضایت یکدیگر به نکاح هم درآورد. در چهره‌ی باه‌جان خوشحالی بی‌سابقه‌ای را تماشا کردم. وقتی دستم را کف دست پسر کاکایم گذاشت، زمین و زمان را نفرین کردم خودم، مادرم، پدرم و از همه بیشتر باه‌جان را. با تمام وجود می‌خواستم گریه کنم. زمانی که با هم وارد این خانه شدیم، حس کردم اینجا همانا گورستانی است که منتظر به آغوش کشیدن هر دویمان بود. کف اتاق نشسته، ساعت‌ها را سر دادم به شکوه‌ها و گریه‌ها. ولی پسر کاکایم با عجله دنبال چیزی می‌گشت؛ تا اینکه بعد از چند لحظه‌ی از الماری یک اسلحه را برداشت و درست بالای قلبش

گذاشت. وحشت کرده بودم؛ با صدای لرزان، ازش خواستم که این حماقت را نکند. ولی آن لحظه به اولین بار، شاهد اشک ریختنش بودم، گفت: «از زندگی یک تمنایی بیش نداشتیم؛ آنهم بودن در کنار معشوقم بود. ولی باه‌جان همین یک خواهش را هم ازم سلب کرد.»

۶

آن روز ما را بدون رضایت یکدیگر به نکاح هم درآورد. در چهره‌ی باه‌جان خوشحالی بی‌سابقه‌ای را تماشا کردم. وقتی دستم را کف دست پسر کاکایم گذاشت، زمین و زمان را نفرین کردم خودم، مادرم، پدرم و از همه بیشتر باه‌جان را. با تمام وجود می‌خواستم گریه کنم. زمانی که با هم وارد این خانه شدیم، حس کردم اینجا همانا گورستانی است که منتظر به آغوش کشیدن هر دویمان بود. کف اتاق نشسته، ساعت‌ها را سر دادم به شکوه‌ها و گریه‌ها.

کرد. حالا بودن در این خانه، به مثابه‌ی لحظه به لحظه سوختن در آتش جهنم است. تصمیم باه‌جان این بود، که قمر و فرید را به نکاح یکدیگر درآورد؛ با اینکه می‌دانست هر دویمان ناراض هستیم. خوب حالا درست شد. باه‌جان را برنده اعلام می‌دارم و فرید برای همیشه باخت خود را قبول می‌کند. بگذار از این زندگی که حتی نفس کشیدنم دست خودم نیست، برای همیشه راحت شوم» بعد از این گفتار ملال‌بار، یک گلوله‌ی اسلحه را تحویل قلباش کرد و افتاد روی زمین.

چه خوب شد که فرید، باخت خودش را در مقابل باه‌

جان بیان کرد و از این زندگی بی‌معنا خودش را راحت کرد. «بگذار همین‌گونه خوشحالی باه‌جان اوج پیدا کند.»

حالا تو بگو که چگونه خودم را مقصر مرگ فرید ندانم؟

قصه‌ی روزگار تلخش را روایت کرده با گریه از مجلس بلند شد و بیرون رفت.

اما حرف‌های جانشوزش، همانند تیری بود، که به سمت قلبم پرتاب شد. چند لحظه‌ای به گفتارش می‌اندیشیدم که هیاهویی، توجهم را جلب کرد. می‌گفتند کسی در حویلی با چاقو شاهرگش را قطع کرده. همه عزاداران از جا بلند شدند، به سمت حویلی به دویدند. من هم به دنبالش راه افتادم که با مشاهده یک صحنه هولناک، هوش از سرم پرید. توانایی قمر بی‌گناه، بیشتر از این نبود، مانند پسر کاکایم برای همیشه زندگیش را بدرود گفت. تا هنوز آخرین جمله‌ای که بیان کرده بود، ذهنم را درگیر کرد. " «بگذار همین‌گونه خوشحالی باه‌جان اوج بیاید. دیروز با مرگ فرید امروز هم با مرگ قمر».

۶

باه‌جان را برنده اعلام می‌دارم و فرید برای همیشه باخت خود را قبول می‌کند. بگذار از این زندگی که حتی نفس کشیدنم دست خودم نیست، برای همیشه راحت شوم» بعد از این گفتار ملال‌بار، یک گلوله‌ی اسلحه را تحویل قلباش کرد و افتاد روی زمین.



رویدادهای زنان در افغانستان و جهان

دادخواهی زنان افغانستان و منطقه برای توقف کشتار و تأمین صلح

کشمیر

نیم میلیون امضا برای صلح

«اتلاف زنان در روند صلح» در یک نشست خبری در هرات از جمع‌آوری نیم میلیون امضا برای صلح خبر داد.



این نشست حضور شماری از فعالان حقوق زن، فعالان جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها، استادان دانشگاه و کنش‌گران اجتماعی هفته گذشته در شهر هرات برگزار شده بود. در این نشست از ۱۴ هزار امضای اقشار مختلف جامعه در مرکز و ولسوالی‌های ولایت هرات رونمایی شد که در حمایت از صلح دولت با گروه طالبان و حفظ حقوق زنان در پروسه صلح جمع‌آوری شده است. سهیلا صبری، مدیر ارتباطات ریاست امور زنان هرات می‌گوید «مردم به وسیله‌ی جمع‌آوری این امضاها حمایت شان را از روند صلح و حفاظت از حقوق زنان اعلام کردند.»

نگرانی زنان ایران درباره سرنوشت زنان افغانستان

یک جمعیتی از زنان ایرانی تحت عنوان «اتلاف زنان ایران در حمایت از زنان افغانستان و مقابله با تسلط دوباره‌ی طالبان» در مورد جنگ و صلح افغانستان نظر داده و نسبت به سرنوشت زنان افغانستان در این وضعیت ابراز نگرانی کرده‌اند.



در اعلامیه این ائتلاف آمده است که «ما زنان ایرانی نگران حاکمیت دوباره طالبان بر مردم افغانستان و اجرای قرائت‌های غیر دینی و ضد انسانی به نام اسلام بخصوص بر زنان و دختران افغان هستیم.» آنها تأکید کرده که «ما زنان ایرانی از هیچ تلاشی برای رسانیدن صدای زنان افغانستان به سیاست‌داران منطقه‌ای و بین‌المللی که در سکوت نگران‌کننده فروافتادن ارزش‌های انسانی ملتی را نظاره می‌کنند، دریغ نخواهیم کرد.» آنها از دولت ایران خواسته که مردم افغانستان را در جلوگیری از حاکمیت مجدد طالبان همکاری کند: «ما زنان ایرانی از سیاست‌گذاران و دولت‌مردان جمهوری اسلامی (ایران) انتظار داریم تا با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موثر در... جلوگیری از حاکمیت و تسلط یکپارچه طالبان به طور جدی و فراگیر دنبال نماید.»

زنان هند خواهان توقف کشتار زنان و کودکان در افغانستان شدند

ده‌ها زن در شهر ممبی هند در یک نشست خبری که با عنوان «همبستگی زنان هند در محکومیت قتل زنان و کودکان افغان و فراخوان آتش فوری» برگزار شده بود، کشتار هدفمند در افغانستان را تقبیح و محکوم کرده به سازمان ملل نامه فرستاده‌اند تا به این وضعیت رسیدگی کند.



وزارت امور خارجه کشور امروز (سه‌شنبه، ۱۵ سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی) با نشر خبرنامه‌ای گفت این بانوان هندی ضمن محکوم کردن کشتار هدفمند زنان و کودکان و تلفات افراد ملکی در جنگ افغانستان، اعتراض‌نامه‌ای را به سازمان ملل متحد و نیز دولت افغانستان ارسال کرده‌اند.

این بانوان هندی در نشست برگزار شده روی حفظ دست‌آوردهای دوده‌خیز اخیر افغانستان تأکید داشته خاطر نشان ساخته‌اند که همیشه در کنار مردم افغانستان و حفظ نظام جمهوری خواهند ایستاد.

پاکستان نخستین مکتب با بودجه دولتی را برای زنان تراجنسیتی افتتاح کرد. بسیاری از افراد تراجنسیتی در پاکستان از خانواده و جامعه طرد می‌شوند و از راه گدایی یا روسپی‌گری امرار معاش می‌کنند. افراد تراجنسیتی اغلب در دوره کودکی در این کشور مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. مراد راس وزیر آموزش ایالات پنجاب که این مدرسه در آن مستقر است قول داد که شرایط آموزش برای همه فراهم شود.

خون انار

شعر

کشمیر ساحل

ازین میهن که مانده عالم اشباح، می‌ترسم و از صلحی که وا کرده دهن از چاه، می‌ترسم شبیخون می‌خورد هردم سپهداران بیداری نمی‌ریزد کسی اشکی به جز تمساح، می‌ترسم شغلان بر سر گور سرفرازان «اتن» مست و جدال جیفه دارد شیخ و شاهنشاه، می‌ترسم صدای سنگسار و بوی مسلخ می‌رسد از راه و من چون بره‌ی محکوم قربانگاه، می‌ترسم تیمم از پدر سه روزهام سرباز شد؛ اما به دشمن می‌فروشد سنگرش را شاه، می‌ترسم تیرها تازه دم، کرده هوس ساق صنوبر را نمانده بر لب خنیاگران جز «آه می‌ترسم» شبیه دهقان پیر پینه‌پیرهن دیدم خزیده تکه قوغی زیر خرمنگاه، می‌ترسم درین نایبشهی شیراخته‌ی شمشادکش، مانده کلاه سلطنت بر کله‌ی رویاه، می‌ترسم ازین مردم که هر خونخوار را دیده به درباری چین برده برایش از کتان ماه، می‌ترسم

مثل قرآنی که دارد روی رف سرباز ما می‌پرستد میهن خود را خلف‌سرباز ما می‌خروشد مثل آمو طبل آزادی زنان می‌چکاند ماشه‌ها را بر هدف سر باز ما تا که دشمن را به خواب مرگ نفرستد کجا سر بماند روی بالش سربه کف سرباز ما

سهم افغانستان از ۴۰ میلیارد دالر برابری جنسیتی

خواست بخش زنان سازمان ملل در همایش برابری جنسیتی: «زنان را در قلبان جا می‌دهید، در صلح و امنیت نیز مشارکت دهید»

کج حسین احمدی

در همایش بزرگ جهانی نهادهای دولتی، بنیادهای خیریه و سکتور خصوصی حدود ۴۰ میلیارد دالر جهت تأمین برابری جنسیتی در جهان تعهد کردند. همایش نسل برابری (Generation Equality Forum) از سوی UN Women از تاریخ ۳۰ جون تا ۳ جولای ۲۰۲۱ میلادی به میزبانی فرانسه و بلجیم در شهر پاریس برگزار شد.

این چهارمین نشست بزرگ جهانی در مورد زنان است که پس از جنگ جهانی دوم برگزار می‌شود. آخرین نشست جهانی ۲۵ سال قبل، ۱۹۹۵ میلادی در پکن - چین برگزار شده بود.

در نشست چهار روزه‌ای که در شهر پاریس برگزار شده بود، اتونوگوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، فومزله مولامبو نکا، مدیر اجرایی زنان سازمان ملل (UN Women)، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه پیشین آمریکا و نادیا مراد، برنده جایزه نوبل ادبیات از معروف‌ترین اشتراک‌کنندگان این همایش بودند. به نمایندگی از افغانستان، داکتر حبیبه سرابی، عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح دولت با گروه طالبان حضور یافته بود.

زنان سازمان ملل در اعلامیه‌ای پس از این همایش نوشته است که «این تازه‌ترین اقدام جهانی برای تحقق برابری جنسیتی است که کشورهای عضو سازمان ملل به پیمان‌نامه‌های این نشست تعهد سپرده‌اند.»

همایش نسل برابری ۲۰۲۱ در پاریس هفت روش کاری برای تسریع روند «تأمین برابری جنسیتی» در جهان پیشنهاد کرده است که کشورهای عضو سازمان ملل باید با استفاده از ۴۰ میلیارد دالر سرمایه‌گذاری مشترک جهان طی پنج سال آینده ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۶ برابری جنسیتی را تسریع کنند.

۱. پایان دادن به خشونت مبتنی بر جنسیت
۲. تضمین عدالت اقتصادی و حقوق زنان
۳. مالکیت و سلامت بدن زنان
۴. اقدام فمینیستی برای عدالت
۵. پرورش فناوری و نوآوری برای برابری جنسیتی
۶. سرمایه‌گذاری روی جنبش‌های فمینیستی
۷. حضور زنان در پروسه‌های صلح و امنیت و اقدامات بشردوستانه: UN Women خواسته است که «زنان را در متن رویدادهای مرتبط به صلح، امنیت و خدمات



حبیبه سرابی، نماینده افغانستان در نشست پاریس بود. او در گفتگو با نیمرخ می‌گوید که در این نشست بیشتر اشتراک‌کنندگان از الگوهای مثبت برای تأمین برابری جنسیتی بحث می‌کردند.

بگفته خانم سرابی این نشست یک هدف اساسی با عنوان «تعهد جهانی برای رسیدن به برابری» را دنبال می‌کرد و به همین نتیجه هم رسید، یعنی همه کشورهای عضو تعهد سپردند که برای برابری جنسیتی تلاش کنند. به گفته‌ی خانم سرابی به جز نمایندگان افغانستان و سوریه، دیگر اشتراک‌کنندگان از سازوکارهای متفاوت و الگوهای مثبت بحث می‌کردند، اما نمایندگان افغانستان و سوریه در مورد تروریسم و تأثیر آن بر وضعیت زنان بحث کرده‌اند.

خانم سرابی عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان در پروسه صلح با گروه طالبان است. او و همراهانش این روزها در قطر مصروف چانه‌زنی‌های سیاسی برای رسیدن به یک توافق با گروه طالبان هستند. سفارت فرانسه در افغانستان ضمن ابراز خوش‌بینی نسبت به تجدید تعهدات جهانی برای برابری جنسیتی نوشته است که

بشردوستانه قرار دهید همچنان که در زندگی خصوصی‌تان در متن زندگی و در قلبان جای داده‌اید.» طبق اعلامیه زنان سازمان ملل دو گزینه به عنوان کلیدی‌ترین راهکار تأمین برابری زن و مرد در جهان طی

۴ به گفته‌ی خانم سرابی به جز نمایندگان افغانستان و سوریه، دیگر اشتراک‌کنندگان از سازوکارهای متفاوت و الگوهای مثبت بحث می‌کردند، اما نمایندگان افغانستان و سوریه در مورد تروریسم و تأثیر آن بر وضعیت زنان بحث کرده‌اند.

پنج سال آینده پیش‌بینی شده است: کاهش خشونت علیه زنان و حمایت از جریان‌های فمینیستی. افغانستان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل است که سالانه به طور اوسط پنج هزار قضیه خشونت علیه زنان گزارش می‌شود.

زنان در کجای سیاست افغانستان قرار دارند؟

کج بریشنا عزت‌یار

دانستن اصل و جایگاه هر فرد اعم مرد و زن امری مهم در عرصه پیشرفت دولت است. زنان افغانستان به عنوان یک بخش همیشه محروم در تاریخ کشور با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه هستند. از آنجایی که زنان و مردان دو شهروند یک جامعه هستند و در ترقی و آبادی افغانستان از نقش یکسان برخوردار هستند، بنابراین باید به این مسئله پرداخت که زنان در کجای سیاست افغانستان قرار دارند و نقششان در جامعه چگونه باید باشد.

اگر کشور را به مثابه یک انسان در نظر بگیریم، زنان و مردان دو دست‌های انسان به حساب می‌آید که بدون هر کدام از این دو نمی‌توان امور را به راحتی و به طور باثباتی پیش برد. برای رفاه و جلوگیری از ضیاع وقت به هر دو دست نیاز است. همین‌گونه اگر زنان از نقش و جایگاه‌شان به عنوان یک شهروند کشور آگاهی نداشته باشند، نمی‌توانند در امور سیاسی اشتراک داشته باشند و چنانکه از امور سیاسی آگاهی نداشته باشند مرحله رسیدن یک کشور به سوی خودکفایی ترقی و پیشرفت طولانی‌تر خواهد بود.

قرار معلوم زنان در هشت سال گذشته با موانع و محدودیت‌های زیادی در عرصه‌های اجتماعی و روزمرگی مواجه هستند و همواره در مسیر پیشرفت به عقب رانده شده‌اند که خود ضایعه بزرگی است برای دولت افغانستان. طبق آمار رسمی حدود نیمی از جمعیت افغانستان را زنان تشکیل می‌دهند، در حالیکه میزان حضور زنان در مشاغل دولتی کمتر از یک سوم برآورد شده است.

با این حال زنان افغانستان از مسیر آغاز و بالخصوص پیش از ورود طالبان نقش زیادی در پیشرفت افغانستان آن زمان داشتند.

زنانی که به شهرت رسیده‌اند و از جایگاه مردمی برخوردارند و زنانی که مخلصانه برای حقوقشان می‌کوشند ولی هنوز رسانه‌ای نشدند، هر کدام از جمله زنانی هستند که در مسیر شکوفایی افغانستان نقش‌والایی دارند.

«در تحقیقی که در سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان به نام «حقوق زنان از نگاه مردان منتشر شده» نشان می‌دهد که به دلیل افزایش نهادهای اسلام‌گرا و بیشتر شدن مدارس دینی خارج از کنترل دولت، مشارکت زنان در اجتماع با چالش‌های زیادی روبرو شده است. این بررسی که حاصل دو سال تحقیق و مصاحبه با تعداد ۳۹۰۰

امور زنان به طور مشخص درباره مشکلات زنان کار می‌کند. قسمتی از بودجه دولت به این وزارت اختصاص داده شده است و دارای ساختار اعضا و کارمندان است. به دور از آنچه که توقع می‌رود کارکردهای این وزارت اندک بوده و نقش آنچنانی در وضع زنان ندارد. مرکز آن در کابل بوده و به دلیل نامنی و وجود گروه‌های افراطی و زن‌ستیز در ولایات نمایندگی نداشته و حتی گاهی از کنترل به مرکز هم ضعیف به نظر می‌رسند.

مریم (نام مستعار) برعکس آنچه که زنان تصور می‌کنند، این وزارت کارهای بی‌شماری را برای زنان افغانستان انجام داده است؛ وی می‌گوید: «باور مردم بر این است که وزارت امور زنان بی‌کفایت و ناکارا است ولی در کنار جمعی که بی‌مصرف هستند، جمعی از زنان وجود دارد که خستگی‌ناپذیرند و برای حقوق هم‌نوعان خود می‌کوشند؛ از جمله کارکردهایشان می‌توان به مساله رسیدگی به زنانی که در زندان‌های پلچرخ از سوی گروه‌های متفاوت به شمول مسئولان زندان‌ها و طالبان مورد اذیت و تجاوز جنسی قرار



«زنان را در متن رویدادهای مرتبط به صلح، امنیت و خدمات بشردوستانه قرار دهید همچنان که در زندگی خصوصی‌تان در متن زندگی و در قلبان جای داده‌اید.»

خانم سرابی در این نشست در مورد وضعیت فعلی زنان افغانستان و پیامدهای مذاکرات صلح در افغانستان بحث کرد. اما شخص خانم سرابی از گفتگوی بیشتر در این مورد ابا ورزید و گفت: «بخاطر اینکه پیام‌های من شاید (روند بحث‌های) میز مذاکره صلح را تخریب کند، از این‌رو نمی‌خواهم نشر کنم.»

کشورهای عضو سازمان ملل در هماهنگی با UN Women از ۴۰ میلیارد دالر بودجه‌ای که نهادهای مختلف برای پنج سال آینده تعهد سپرده‌اند، مستفید خواهند شد. این کمک‌ها برای ساخت زیربنای حقوقی، نهادهای مدافع حقوق زنان و برنامه‌های تقویتی برای حمایت از زنان به مصرف خواهد رسید. مثلاً ایالت جورجیا با استفاده از این فرصت زمانی و امکانات اقتصادی تعهد شده، برای مقابله با تجاوز جنسی قانون جدیدی خواهد ساخت و دولت آمریکا روی اقتصاد، حقوق جنسی، سلامت باروری و علیه خشونت با زنان تلاش می‌کند، اتحادیه فمینیستان مصر روی قانون طلاق و سرپرستی فرزند توسط زنان کار خواهد کرد و اوگاندا برای کاهش فشار روزمره زندگی از دوش زنان روی دسترسی به آب صحنی و دیگر خدمات عامه کار خواهد کرد. اما نماینده‌ی افغانستان مشخص نکرد که قرار است افغانستان طی پنج سال آینده چه سازوکارهایی را برای مبارزه با نابرابری جنسیتی و تأمین حقوق زنان دنبال خواهد کرد.

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در این نشست گفت: «تأمین برابری جنسیتی اولویت نخست دولت او است و خوشحال است که امروز جهان با او دیدگاه مشترکی دارد.»

آنتونو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، نشست پاریس را «یک لحظه تاریخی برای ایجاد تعادل جنسیتی در جهان» خواند.

مادمون نکا، مدیر اجرایی زنان سازمان ملل نیز با خوش‌بینی از تعهد جهانی برای برابری جنسیتی گفت: «ما با هم متحد و متقاعد خواهیم شد که باید ریسک کنیم و کارها را متفاوت انجام دهیم، دستور کار ناتمام پکن را احیا خواهیم کرد.»

می‌گرفتند، اشاره کرد. جمعی از زنان با مقامات مربوطه به کمک نهادهای حقوقی گفتگو کردند تا بتوانند جلو این عمل را بگیرند.»

بدون وزارت امور زنان، نهادها و سازمان‌هایی که در این راستا کار می‌کنند، تعدادشان بسیار است، چند مهم آن میشود از: سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، توانمندسازی زنان افغان، زنان محشبت، کمیته مشارکت سیاسی زنان افغان، شبکه زنان افغان، اتحادیه برابری زنان افغانستان، کمپاین ۵۰ درصد زنان جوان برای تغییر، جمعیت انقلابی زنان، افغان راوا ... اشاره کرد. ولی آنچه که به عنوان دستاوردها نشان داده می‌شود با آنچه که در عمل وجود دارد، تفاوت بسیاری دارد. با این که بودجه‌های گزافی از سوی دولت‌های خارجی و سازمان‌های حقوق بشری تحت نام کمک به زنان افغانستان به حکومت داده می‌شود. تغییر مشخصی در وضع زنان روستایی و حتی در بسیاری موارد زنان در مرکز شهرها نیاورده است. جای نگرانی است که در این اواخر بی‌اعتمادی‌های به میان آمده باعث شده با کمبود کمک‌ها مواجه شویم.

نزدیک به یک سال است که گفتگوهای صلح افغانستان سر خط خبرهای رسانه‌ها در افغانستان است. آنچه که باعث نگرانی است بحث کم رنگ بودن مساله زنان و نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های صلح و سرنوشت آنان در دوران پسامذاکرات صلح می‌باشد.

برخی معتقدند با تداوم وضع موجود جامعه افغانستان از نظر تحقق دموکراسی و بهبود وضعیت زنان در حال عقب‌گرد است.

به نقل از مروراید ضیایی (رئیس موسسه زنان کانادا برای زنان افغان): «ما گام‌های نخست را با امیدواری برداشتیم تا در مسیر جمهوری حرکت کنیم، اما با تأسف حال این دستاوردها را با چنگ و دندان محکم گرفته‌ایم تا مبادا از دست برود.»

از سوی دیگر امیدواری بر این است که رئیس‌جمهور غنی، بیانی‌های ایشان در مورد مذاکره صلح و خاصاً بحث زنان بیان داشته که هیچ‌گاه اجازه نخواهد داد، زنان و دست‌آورد‌هایشان نادیده گرفته شود و اطمینان می‌دهد که حامی زنان و حقوق‌شان خواهد بود اما اینکه تا چه اندازه می‌توان به این حرف‌ها جامه عمل پوشاند، نامعلوم است.

در ولسوالی‌هایی که طالبان تصرف کرده چه می‌گذرد؟

بلخ؛ بازگشت شلاق



فرهاد عظیمی، والی بلخ به تاریخ شانزدهم سرطان در یک نشست خبری اعلام کرد: «در مناطقی که به تازگی تحت تصرف طالبان درآمده است جنگجویان این گروه زنان را شلاق می‌زنند.»

آقای عظیمی گفت، مردم شکایت دارند که «در ولسوالی بلخ ولایت بلخ زنان توسط طالبان شلاق زده می‌شوند و طالبان همان قانونی را بر مردم تطبیق می‌کنند که بیست سال قبل در زمان حاکمیت رژیم امارت اسلامی داشتند.»

...

تخار؛ نکاح اجباری زنان



دها تن از باشندگان ولایت تخار مقیم کابل در یک تجمع اعتراضی نسبت به وضعیت نامناسب زنان در مناطق تحت کنترل طالبان ابراز نگرانی کردند.

این معترضان هشدار دادند که زنان در تخار در معرض خشونت حاد و تجاوز جنسی قرار دارند؛ زیرا گروه طالبان به خانواده‌ها

اعلام کرده که هر خانواده یک دختر شان را به نکاح جنگجویان گروه طالبان درآورند.

...

صدای زنان در معرض خاموشی



در ولایت‌های شمال و شمال شرقی کشور فعالیت ۲۰ رسانه مستقل مختل شده که رادیو همصدا در تخار نمونه‌ای از آن‌هاست.

رادیو همصدا آخرین پایگاه اعتراضی زنان در تخار است. سیمین حسینی، رییس رادیو همصدا به تازگی اعلام کرده است که وضعیت رسانه‌ها در شهر تالقان، مرکز این ولایت خوب نیست،

نشرات برنامه‌های روزمره رادیو همصدا متوقف شده و کارمندان این رسانه زنانه خانه‌نشین شده‌اند. استدیوی این رادیوی محلی هنوز فعال است، مردم در شهر تالقان و ولسوالی‌های تخار صدای زنان را از طریق امواج این رادیو می‌شنوند ولی همه برنامه‌هایی است که پیش از حضور طالبان در تخار ضبط و تولید شده بود.

...

غور؛ خیزش مسلحانه‌ی زنان علیه طالبان



داد که صدها زن علیه طالبان سلاح برداشته‌اند. در نوارهای ویدیویی این اعتراض دیده می‌شود که صدها تن از زنان جوان و میان‌سال در شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور با حمل اسلحه به طالبان هشدار می‌دهند که مردم غور (زن و مرد) در کنار نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان علیه طالبان می‌رزمند و «بازگشت حکومت شلاق و دوره‌ی تاریک طالبان» را اجازه نخواهند داد.

«طالبان بیاید، می‌فهمید، آزادانه بیرون برآمدن یعنی چه»

دیگر دوران کنید طالبان بیاید برای شما نشان خواهد که آزادانه بیرون برآمدن یعنی چه. طالبان موی کوتاه همان کسانی که خود را حامی نظام دولت می‌دانند اما افکار پوچ طالبانی را در سر می‌پروراند.



مجبور به پیوستن به گروهشان کرده یا هم اگر به آنان نیروی انسانی نمی‌دهند، مجبور به پرداخت پول می‌کنند. در قریه دالان ولسوالی شولگره هم چنین وضعیتی جریان دارد و با تکتیک جدید که ما به مردم عام کاری نداریم، خصوصاً مردم هزاره و آنان می‌توانند راحت مصروف کار و پیشبرد امورات زندگی‌شان باشند، می‌خواهند در دل مردم جا باز کنند. اما ما دختران و زنان ولایت بلخ نگران این وضعیت اسفبار هستیم، وقتی در شهر برویم، با موجی از طالبان موی کوتاه مواجه می‌شویم که صدا می‌زنند؛ فقط چند روز

در ده ولسوالی کاروبار اقتصادی زنان خوابید



مستولان برنامه ملی توسعه اقتصاد روستایی می‌گویند پس از افزایش جنگ و سقوط برخی از ولسوالی‌ها به دست گروه طالبان، فعالیت این برنامه در ده ولسوالی کشور متوقف شده است. این برنامه به کمک بانک جهانی زمینه‌های رشد اقتصادی برای ۵۰۰ هزار زن را در سراسر کشور

فراهم کرده بود. حالا مستولان این برنامه می‌گویند که بخاطر تشدید جنگ فعالیت این برنامه در هفت ولایت، محدود شده و کارمندان آن محل کارشان را ترک کرده‌اند. از طریق برنامه ملی توسعه اقتصاد روستایی که بیشتر مستفیدشوندگان آن زنان هستند، زمینه فعالیت زنان در بخش‌های فارم‌های زراعتی، شبکه‌های تولید و پروسس لبنیات، دام‌داری و صنایع دستی فراهم می‌کند. تاکنون ۱۵ هزار زن به صورت مستقیم صاحب کاروبار شخصی شده‌اند. به گفته‌ی لطیفه مجیدی، رییس اجرایی برنامه ملی توسعه اقتصاد روستایی وزارت امور زنان، بانوان توانسته‌اند با استفاده از این فرصت محصولات شان را در نمایشگاه‌ها و بازار ملی و منطقه‌ای برسانند، اما با گسترش جنگ این فعالیت‌های اقتصادی زنان آسیب دیده است.

...

فاریاب؛ حضور زن در محفل سازوسرود ممنوع!



آتی محمد نوری، عضو شورای ولایتی فاریاب به رسانه‌ها گفته است: «در تازه‌ترین حکم طالبان که در ولسوالی‌های چهارگانه اندخوی در فاریاب منتشر شده آمده است که زنان نمی‌توانند بدون محرم شرعی به بیرون از خانه بروند و در محفل‌های عروسی که در آن سازوسرود باشد، نباید کسی شرکت کند.»

...

جوزجان؛ مکتب رفتن دختران ممنوع!



شماری از خانواده‌هایی که از ولسوالی آقچه‌ی ولایت جوزجان از ترس کشته شدن به دست طالبان فراری شده و به شهر شیرغان، مرکز این ولایت پناه آورده‌اند، از محدودیت‌های طالبان بر زنان شکایت دارند. برخی از این خانواده‌ها به رسانه‌ها گفته‌اند که جنگجویان گروه طالبان در آقچه، از طریق بلندگوهای مساجد گشت‌وگذار زنان بدون محرم (همراه مرد از اعضای خانواده) را منع کرده و مکتب رفتن دختران را نیز ممنوع اعلام کردند.

...

«دختری را که فراری دادی، پیدایش می‌کنیم»

شکریه حجت

شکریه از سفری که در سال ۶۹۳۱ در زادگاهش ولایت بغلان داشته است، از مسافرت به منطقه تحت کنترل طالبان خاطره تلخی دارد و هنوز هم تجربه آن سفر زندگی ورزشیش و اقتصاد خانواده‌اش را تحت تاثیر قرار داده است.

با یک تیم ورزشی که نمی‌خواهم نام از آن ببرم، برای روحیه‌دهی دختران ولایت بغلان رفتیم، بعد از گذشت سه روز از سفر در این ولایت، مرا یکی از دختران فامیلیمان به خانه‌شان دعوت کرد، من به نیت اینکه در آنجا مصون خواهم بود، دعوت او را قبول کردم و به خانه‌اش رفتم. در نزدیک خانه‌شان متوجه شدم، چند موتورسایکل سوار مرا تعقیب می‌کند، وقتی داخل خانه شدم. دختر خانمی که مرا دعوت کرده بود، گفت که آن‌ها طالب‌ها هستند و با تو کار ندارند، اما من به شدت ترسیده بودم، همین که داخل خانه شدم. متوجه یک راه بیرون رفت شدم که آنجا کاه‌خانه بود و گاوها را نگهداری می‌کردند. زمانی که صدای موتورسایکل‌ها نزدیک می‌شد و صدای توقف‌شان را شنیدم، دروازه چوبی در حال باز شدن بود، من از وسط گاوها و کاه‌ها به پشت خانه رفتم و از آنجا به سمت خانه مادر کلانم که ده دقیقه دورتر از این خانه بود، راه افتادم.

زمانی که رسیدم چادری را به سرم کشیدم که طالبان هم به تعقیب من دروازه را باز کردند، همان دختر



خانم میزبان را مجبور کردند که آن‌ها را همراهی می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت که این دختر ورزشکار در اینجا بجز از ما کسی را ندارد و در این منطقه کسی را نمی‌شناسد. من در تنوری که سرش بسته بود، پنهان شده بودم و یکی از آن‌ها گفت که اگر خانه این‌ها نیست، حتمن در خانه‌های همسایه‌ها پنهان شده، در بیرون از خانه منتظر ماندند تا شاید از یکی از خانه‌ها بیرون شوم. وقتی اذان شام شد و این طالبان، همه به نماز جماعت رفتند، پسر ماما می که می‌دانست و منتظر نماز شام بودیم، ساعت شش بود که سرک خلوت شده بود و من با پسر ماما می به طرف سرک عمومی از وسط زمین‌ها به راه افتادیم و از همانجا به طرف کابل حرکت کردیم. بعد از رفتن من طالبان خبر شدند که پسر ماما می نیست و فهمید که من همانجا بودم، آن‌ها به خانه مادر کلانم حمله کردند و با گلوله و سنگ تمام شیشه‌های خانه‌شان را شکستند، زمانی که پسر ماما می دوباره به خانه‌شان بغلان برگشت. طالبان او را دستگیر کردند و تا چهار روز در بندشان بودند. بعد از چهار روز شکنجه و آزار پسر ماما می را رها کرده و به او گفته بودند که کابل راه دوری نیست، دختری را که فراری دادی، پیدایش می‌کنیم.

بعد از آن اتفاق نه من و نه هیچ‌یک از اعضای خانواده جرات نکردیم، بغلان زادگاهمان برویم. حتا زمین‌هایمان که عاید سالانه‌مان بود در بغلان، توسط زورمندان تصرف شد و ما هیچ کاری کرده نتوانستیم، پدرم دوبار خواست برود تا شاید بتواند دوباره زمین‌های ما را بگیرد، ولی پسر ماما می مانع شد و گفت که اگر بیایید هم خودتان و هم ما را با خطر جدی مواجه می‌کنید.

بعد از آن پدرم از من و خواهرم که مربی ورزشی من نیز بود، خواست که ورزش را ترک کنیم. خواهرم در مسابقات بیرون مرزی نیز اشتراک کرده بود و هردوی ما روپاها و آرزوهای کلان داشتیم.

ما از آن اتفاق شدیدن آسیب روحی و روانی دیده بودیم، ناامید شدیم و آرامش‌مان بهم خورد.

پدرم که نگران من و خواهرم بود، گفت: دولت و نهاد های مسئول توجه نمی‌کنند، بهتر است بخاطر تامین امنیت خودتان و خانواده ورزش را ترک کنید. چهار سال کاراته شتوکان کار کردم، بعد از آن اتفاق دیگه تمرین نکردم و مسابقه هم ندادم.

من و خواهرم همه‌ی راه‌های ارتباطی از جمله حساب‌های کاربریمان در فیسبوک و اینستاگرام را بستیم، شماره‌مان را عوض کردیم تا با رسانه‌ها در ارتباط نباشیم.

حتی با دوستان ورزشکار، هم‌تیمی‌ها و همه‌ی دوستانم قطع رابطه کردم و با تمام آرزوها و رویاهایم خدا حافظی کردم.

چرا مشارکت زنان در اعمار صلح افغانستان، حیاتی است؟

کریستال بیات

مشارکت زنان در روند صلح در لغت به معنای سازش کردن و آشتی و تراضی میان متنازعين است، از صلح تعريف‌های مختلفی وجود دارد، از جمله صلح مساوی است با فقدان جنگ، اما امروزه با دیدی همه جانبه صلح به معنای فقدان جنگ نیست، بلکه مفهوم گسترده‌تری دارد که شامل موارد مختلف امنیتی (از جمله اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و زیست محیطی) است. بنابراین یکی از شرایط تحقق صلح، مشارکت تمامی اقدار و گروه‌های اجتماعی و سیاسی است که نشان‌دهنده فراگیر بودن و گستره صلح پایدار می‌باشد. بنابراین فراگیر بودن روند صلح نیازمند حضور زنان می‌باشد. موانع موجود در این مسیر نشان می‌دهد که ما نیاز به آگاهی بیشتر در مورد چرایی و چگونگی مشارکت زنان در روند صلح داریم. از این رو توجه به مشارکت زنان به عنوان یکی از گروه‌هایی که از جنگ و خشونت بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند، ضروری است. جنگ‌ها تأثیر منفی بر زنان و مردان دارد، خشونت مبتنی بر جنسیت و خشونت خانگی در طول جنگ و پس از جنگ افزایش می‌یابد. در عین حال اعمار صلح پس از جنگ می‌تواند یک فرصت برای پیشبرد حقوق زنان باشد، مشارکت زنان در روند صلح افغانستان حتماً باید

۴

زنان نگرانند که دستاوردهای یک و نیم دهه پسین‌شان قربانی مذاکرات و گفتگوهای صلح با گروه‌های تندرو و مخالف حقوق زنان گردد، بنابراین پیشنهاد این است تا زنان در گفتگوهای صلح حکومت با طالبان و دیگر گروه‌های تندرو، حضور فعال و تصمیم‌گیرنده داشته باشند.

بر اساس پلان عملی ملی برای تطبیق قطعنامه ۵۲۲۱ از حضور و مشارکت فعال زنان در روند صلح، به ویژه شورای عالی صلح و کمیته‌های ولایتی صلح عمل نموده و از افزایش نقش فعال زنان در رهبری روند صلح و تسهیل ابتکارات در این زمینه به زنان و نهادهای فعال حقوق زن، اطمینان دهد.

زنان عضو شورای عالی صلح و زنان متخصص در زمینه اعمار صلح در خارج از این شورا، باید در روندهای مربوط به مذاکرات، مباحثات، میانجی‌گری‌ها و گفتگوهای مربوط به روند صلح افغانستان شامل ساخته شوند.

همکاری‌های تخنیکی و تخصصی جهت بلند بردن سطح

توانایی‌های اعضای زن شورای عالی صلح در رابطه به میانجی‌گری، گفتگو، تحلیل منازعه، مذاکره و سایر موارد برنامه‌ریزی و تطبیق گردد.

حکومت وحدت ملی در همکاری با شورای عالی صلح، باید مورد مشورتی زنان را در مطابقت با استراتژی این شورا و تعهداتی که در موقع نشر رهنمود به زنان و جامعه مدنی نموده بود، ایجاد کند.

زنان نگرانند که دستاوردهای یک و نیم دهه پسین‌شان قربانی مذاکرات و گفتگوهای صلح با گروه‌های تندرو و مخالف حقوق زنان گردد، بنابراین پیشنهاد این است تا زنان در گفتگوهای صلح حکومت با طالبان و دیگر گروه‌های تندرو، حضور فعال و تصمیم‌گیرنده داشته باشند.

ارایه راه‌حل برای مشارکت زنان در روند صلح پلان عمل ملی زنان، صلح و امنیت دارای ارکانی چون مشارکت، محافظت، جلوگیری و رفاه و بهبود است. این ارکان به هدف تقویت و مشارکت زنان در خدمات ملکی، افزایش دسترسی زنان به عدالت، تقویت نقش زنان در نهادهای امنیتی و افزایش مصونیت اقتصادی زنان، مطرح شده است، اما هنوز هم چالش‌های جدی در زمینه حضور زنان در روند صلح وجود دارد.

گروه طالبان بوده و باورمند به مساوات و حقوق زن نیستند که این امر سبب شده است تا حضور زنان و تأثیرگذاری صداهای آن‌ها را خیلی کم‌رنگ سازد. علاوه بر کمیت اندک زنان در ساختار شورای عالی صلح، از آنجایی که شماری از آن‌ها از سوی نهادهای جامعه مدنی و تعدادی هم توسط گروه‌های سیاسی معرفی شده‌اند، هماهنگی لازم میان‌شان

۴

موجودیت تبعیض جنسیتی بر هیچ کس پوشیده نیست که افغانستان کشور سنتی است و دیدگاه‌های حقارت‌آمیز نسبت به زنان در تمام سطوح و لایه‌های آن موجود است و شورای عالی صلح نیز از این اصل مستثنا نمی‌باشد.

وجود نداشته و از این سبب رهبری شورا در بسا موارد، نظریات و خواسته‌های زنان را جدی نگرفته و به آن توجهی نمی‌نماید. این چالش از یک طرف روحیه همکاری در بین اعضا را تضعیف ساخته و از سوی دیگر به کیفیت کار شورا



آسیب رسانده است.

دوم، موجودیت تبعیض جنسیتی بر هیچ کس پوشیده نیست که افغانستان کشور سنتی است و دیدگاه‌های حقارت‌آمیز نسبت به زنان در تمام سطوح و لایه‌های آن موجود است و شورای عالی صلح نیز از این اصل

هر روز موقع بیرون شدن از خانه، فکر می‌کنم که ترور خواهم شد

گزارشی از وضعیت زنان خبرنگار

حسین احمدی

کشتار هدفمند؛ شیوهی حذف زنان

مینا خیری، گوینده‌ی خبر در تلویزیون آریانا نیز آخرین خبرنگاری است که در اثر انفجار کشته شد. او چند هفته قبل در حالی قربانی انفجار ماین مغناطیسی در یک موتر بین شهری شد که مادر و خواهرش نیز همراه با او کشته شدند. یک هفته از این رویداد نگذشته بود که طیبه موسوی و فاطمه محمدی، دو کارمند افغان فلم نیز در اثر حمله مشابهی در شهر کابل کشته شدند، طب عدلی ۱۸ ساعت بعد جسد‌های سوخته‌ی آنان را تشخیص هویت کرد. اما اینها تازه‌ترین رویدادهایی است که زنان به صورت مستقیم هدف حمله قرار می‌گیرند. در دوازده ماه گذشته، چهار زن خبرنگار در ننگرهار، دو خانم قاضی و یک زن فعال حقوق بشر در کابل و یک فعال حقوق زن در کاپیسا به صورت هدفمند کشته شده بودند.

آلتا میلر، نماینده سازمان ملل متحد در امور زنان در افغانستان هفته گذشته در برنامه‌ای در کابل اعلام کرد که زنان هدف قرار می‌گیرند تا صدایشان خاموش شود.

شاید او بر این مدعایش دلیل موثقی دارد، چون اکثریت زنانی که در حملات طراحی‌شده و هدفمند کشته شده‌اند، فعالان رسانه‌ای و هنری و حامیان حقوق بشر بوده‌اند.

حالا این نگرانی در میان زنان خبرنگار افزایش یافته است که مبادا سلسله کشتار هدفمند برای خاموشی زنان تا حذف آنان از عرصه‌های اجتماعی ادامه یابد.

لیمه انوری، خبرنگاریست که به نیمرخ می‌گوید «نگرانی‌های زنان از وضعیت جاری افزایش پیدا کرده است.» به گفته‌ی او، زنان هنوز با ناهنجاری‌ها در محیط کار و خشونت‌های روزمره مبارزه می‌کردند که حملات هدفمند به تشویش‌های شان افزوده شد.

لیمه می‌گوید: «هر روز که از خانه بیرون می‌شوم، فکر می‌کنم امروز ترور خواهم شد. در بین راه، در داخل دفتر کار، در موتر شهری، در طعام‌خانه، در تشناب؛ در هر جایی ممکن است ما را بکشند. در وجود هراس هر لحظه تکه‌تکه شدن پیدا شده که این خود وضعیت روانی‌ام را صدمه زده است.»

آسیه حمزه‌ای، دبیر صلح روزنامه هشت صبح در کابل است. او می‌گوید: «حملات هدفمند بر زنان، برای حذف زنان است.»

خانم حمزه‌ای حکومت را به بی‌پروایی در قبال امنیت غیرنظامیان متهم می‌کند و می‌گوید: کشته شدن زنان به

صورت هدفمند یک معضل جدی است. وی می‌افزاید: «پس از موج ترورهای هدفمند در ماه‌های گذشته شمار زیادی از خبرنگاران زن در کابل و ولایات ترک وظیفه و شماری مهاجرت کردند. اما در این وضعیت مبهم و پیچیده‌ی جنگ و صلح، خلاف شعارهای پرطمطراق سیاسیون و جامعه جهانی، زنان و حقوق آن‌ها به عنوان اولویت دیده نمی‌شود.»

ممانعت خانواده‌ها از کار زنان

محبوبه کریمی، معاون مرکز حمایت از زنان ژورنالیست به نیمرخ می‌گوید: «تأثیر منفی تهدیدها و کشته شدن زنان فعال در کشور «زندگی آرام» را از ما «سلب» کرده است. «کشته شدن همجنسان و همکاران ما» وحشت خلق کرده و آینده کاری زنان را با خطر و سرنوشت کلی زنان را با عقبگرد و عقب‌مانی مواجه کرده است.»

آسیه این وضعیت را تأسف بار خوانده می‌گوید: این بزرگ‌ترین نگرانی است که بعد از دو دهه تلاش، وضعیت دموکراسی نوپا و دستاوردهای زنان چه خواهد شد؟ وقتی از حقوق زنان صحبت می‌کنیم براساس ماده ۲۲ قانون اساسی به حقوق برابر به عنوان شهروند افغانستان تأکید داریم.

اما این حقوق برابر در سایه‌ی جنگ و صلحی که سرنوشتش معلوم نیست چه خواهد شد؟

بهناز رسولی، خبرنگار از ولایت هرات می‌گوید فکر می‌کنم زنان دارند از اساسی‌ترین حقوق شان محروم می‌شوند. حق کار یکی از حقوق اساسی ماست ولی پس از ترور شدن زنان خبرنگار، حالا خانواده‌ها در هرات مانع کار زنان می‌شوند.

خانم رسولی می‌گوید: «خانواده‌ها نگران هستند و در موارد زیادی زنان را از کار منع می‌کنند. به خصوص زنان خبرنگار که عملاً هدف قرار می‌گیرند. بخاطر ناامنی انگیزه خود زنان هم کم می‌شود.»

بهناز می‌گوید: «در ولایت هرات اداره‌ها نیز از استخدام زنان ابا می‌ورزند؛ ادارات هم ریسک را پایین آورده و از سپردن امور به زنان اجتناب می‌کنند.»

افزایش تهدید و ناامیدی

هراس مداوم از کشته شدن بر کیفیت کار زنان نیز اثر گذاشته است.

لیمه انوری اظهار می‌دارد که «پیش از این با امید کار می‌کردیم و مطمئن بودیم، روزی خشونت‌ها پایان خواهد یافت، صلح خواهد آمد و ما در محیط امن کار خواهیم کرد؛ ولی حالا ناامید شدیم.»

لطیفه موسوی، از ولایت دایکندی نیز می‌گوید: نگرانی‌ها در میان زنان خبرنگار افزایش یافته است. ولایت دایکندی که یکی از امن‌ترین نقاط افغانستان بود به تازگی گواه

مستثنا نمی‌باشد. یافته‌های این بیانیه نشان می‌دهد که دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز در میان مردان عضو شورای عالی صلح وجود داشته و آن‌ها تعریف مردانه از صلح و جنگ دارند که بر حاشیه راندن زنان و دیدگاه‌هایشان منجر می‌شود. این تلقی باعث شده است که نقش زنان در روند صلح زاید و غیرضروری به حساب آید.

سوم، عدم تطبیق کامل استراتژی شورا درحال یکه در استراتژی شورای عالی صلح بر سهیم‌سازی ۰۳ درصدی زنان در ساختار مرکزی و کمیته‌های ولایتی صلح تأکید شده است، اما حتا تغییرات جدید در ساختار آن نیز بازتاب دهنده این اصل نیست. با تمام تلاش‌ها و دادخواهی‌ها، حضور زنان اکنون در ترکیب شورا ۱۲ درصد است و در کمیته‌های ولایتی صلح نیز آمار مشخصی از درصدی حضور زنان موجود نیست.

برعلاوه، حکومت وحدت ملی، به ویژه وزارت امور خارجه و شورای عالی صلح در تطبیق پلان عمل ملی برای تطبیق.

چهارم، مشارکت ضعیف اشتراک‌کنندگان بحث‌های گروهی به این باور هستند که هنوز هم زنان در این شورا از قدرت تصمیم‌گیری برخوردار نبوده و نقش نمادین دارند. اکثریت تصمیم در کمیته اجراییه این شورا توسط مردان گرفته شده و بالای اعضای زن این شورا تحمیل می‌گردد. برعلاوه، نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زنان عضو شورای عالی صلح، از بعضی مجالس ترتیب شده راجع به روند صلح افغانستان بی‌خبر بوده‌اند و در جریان گذاشته نشده‌اند. آن‌ها از این مجالس نه اطلاعی داشتند و نه هم به این جلسات دعوت شده بودند که این وضعیت نمایانگر مشارکت ضعیف زنان در روند صلح است.

پنجم، اختلاف نظر در تصمیم و موضع‌گیری‌ها به دلیل ترکیب چند جناحی شورا، اعضای آن در تصمیم و موضع‌گیری‌های اساسی‌شان در رابطه به منازعات، صلح و مشارکت معنادار زنان در روند صلح، دیدگاه متفاوت دارند که در کیفیت تصمیم‌گیری و اتحاد نظر اعضای شورا تأثیر منفی می‌گذارد. به طور مثال، با توجه به اینکه استراتژی شورای عالی صلح به صورت واضح از ایجاد یک تشکیل جداگانه به نام «بورد مشورتی زنان» به اشتراک زنان خارج از شورای عالی صلح نام می‌برد، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلاف‌نظر میان اعضای این شورا سبب شده است که تا اکنون این بورد ایجاد نشود.

همچنان همکاری و هماهنگی میان اعضای شورای عالی صلح و زنان در سطح شهر و روستا وجود ندارد و این باعث شده است که اکثریت زنان از مناطق مختلف از موجودیت نهادی به نام شورای عالی صلح و کمیته‌های ولایتی آن اطلاعی نداشته باشند.

و افتخار می‌کردم که یک خبرنگار هستم، اما فعلاً می‌گویم کاش خبرنگار نبودم و در یک عرصه دیگر کار می‌کردم تا به صورت هدفمند مورد حمله قرار نمی‌گرفتم.»

نگذاریم باز هم جایمان کنج خانه باشد

بهناز رسولی با وجود افزایش تهدیدها هنوز هم به کارش در رسانه‌ها ادامه می‌دهد و از دیگر زنان نیز می‌خواهد که «در برابر سرکوب‌ها مقاومت کنیم و نباید بگذاریم باز هم جایمان کنج خانه باشد.»

لیمه تأکید دارد که طی دو دهه اخیر زنان در چندین جنبه رزمیدند تا به جایی برسند، حالا که ناامنی و کشتار هدفمند جان و سرنوشت‌شان را تهدید می‌کند، دولت باید با تمام توان از زنان حمایت کند و خود زنان نیز اجازه ندهند، هیچ عاملی سبب عقبگرد زنان شود.

آسیه حمزه‌ای می‌گوید: «با وجود همه نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها، مقاومت زنان در برابر شرایط کنونی نویدبخش است، درست است که حملات هدفمند به ویژه بالای زنان تبعات منفی را در پی دارد. اما با وجود همه نگرانی‌ها و تشدید ناامنی‌ها آنچه در سطح جامعه به عنوان یک اتفاق نویدبخش دیده می‌شود، حضور زنان فعال، پویا و خستگی‌ناپذیری است که برای حفظ دستاوردهای خود و ارتقای آن‌ها از پای نمی‌نشینند.»

آسیه از حکومت و جامعه جهانی می‌خواهد که «متوجه جایگاه زنان باشند. قرار نیست حقوق زن برای آن‌ها مصرف تبلیغاتی داشته باشد. نه با حقوق زنان معامله کنید و نه تبلیغات پوشالی.»



انواع ازدواج‌های اجباری در افغانستان

چالش‌های ازدواج و تشکیل خانواده در افغانستان

قسمت چهارم

مهری رضایی، استاد دانشگاه

ازدواج‌های اجباری دختران در افغانستان دارای مصادیق متعدد به قرار زیر می‌باشد:

- ۱- ازدواج اطفال
 - ۲- بدل قرار دادن دختر (نکاح شغار)
 - ۳- بد دادن دختران به عنوان حل منازعات
 - ۴- ارث قرار دادن زنان بیوه
 - ۵- ازدواج غیبی یا سفارشی
 - ۶- فروش دختران
- با توجه به انواع گوناگون ازدواج‌های اجباری در ذیل به تشریح رایج‌ترین آن‌ها در جامعه می‌پردازیم.

گفتار اول: ازدواج اطفال

حق ازدواج یکی از مصادیق حقوق اساسی جامعه بشری می‌باشد. این حق مستلزم یک سلسله شرایطی، همچون رضایت در ازدواج، تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج به گونه رسمی می‌باشد که عدم تطبیق این شرایط، تخطی از حق ازدواج شمرده می‌شود.

ازدواج اطفال که به نظر می‌رسد، در افغانستان بسیار معمول باشد، یک مشکل بسیار جدی و نگرانی مهمی است که باید برای رفع آن چاره‌اندیشی شود. با اینکه قانون مدنی افغانستان سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران را به ترتیب ۱۶ و ۱۸ سال تعیین کرده است و عقد ازدواج دختر ۱۵ ساله را فقط با رضایت پدر و تایید محکمه با صلاحیت اجازه می‌دهد و عقد ازدواج با پایینتر از ۱۵ سال را ممنوع اعلام می‌کند، اما اغلب این احکام نادیده گرفته می‌شود. آمار استراتژی توسعه ملی افغانستان حاکی از آن است که ۶۰٪ از دختران در افغانستان قبل از رسیدن به سن ۱۶ سالگی ازدواج می‌کنند. همچنین مطالعه‌ای در مورد زنان متأهل تحصیلکرده در هرات نشان می‌دهد که در حدود ۲۹٪ از آن‌ها قبل از سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده‌اند.

الف- عوامل ازدواج اطفال

بر اساس گزارشی از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ازدواج در سن پایین به طرز نامتناسبی دختران را متأثر می‌کند. ۱۶۶۲ مورد ازدواج اطفال در خانواده‌های مصاحبه‌شده وجود داشت. از این تعداد ۱۴۹۴ نفر (۹۰٪) دختر و ۱۶۸ تن (۱۰٪) پسر بودند. ۱۰٪ از مصاحبه‌شوندگان نظارت ساحوی حقوق بشر گفتند که آن‌ها اطفال خود را قبل از رسیدن به ۱۶ سالگی وادار به ازدواج کرده‌اند. در این مطالعه، قرض یک عامل کمک‌کننده نه یک عامل قطعی در تصمیم در مورد ازدواج اطفال بود؛ زیرا حدود ۸٪ خانواده‌های بدون قرض و ۱۲٪ خانواده‌های قرضدار اطفال خود را وادار به ازدواج کرده بودند. همچنین ۵۵٪ از ازدواج‌های اطفال به منظور حل مشکلات اقتصادی صورت گرفته بود و ۳۰٪ از آن‌ها بدل بود که باز با مسائل اقتصادی مرتبط بود، زیرا در بدل مصارف اقتصادی کاهش می‌یابد. همچنین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ازدواج اطفال را یکی از عوامل عمده نقض حق ازدواج به حساب می‌آورد. طبق گزارش سالیانه وضعیت حقوق بشر در افغانستان که به وسیله این کمیسیون انتشار یافته است، اثرات ناگوار ازدواج‌های قبل از وقت شامل فرار از منزل، خودکشی، خوسوزی، قتل‌ها، انحرافات جنسی، آشفتگی‌های روانی، افزایش میزان مرگ و میر مادران و نوزادان و محرومیت دختران از تعلیم و تربیت می‌باشد که در درازمدت روی نقش زنان در حیات سیاسی و اجتماعی و اقتصادیشان اثرگذار می‌باشد.

طبق گزارش صندوق حمایت از اطفال (UNICEF) دخترانی که در سنین خردسالی ازدواج می‌کنند، از مرحله طبیعی رشد روانی و فیزیکی در دوران طفولیت محروم می‌گردند، علاوه بر نقض حق تعلیم و تربیت و مبتلا شدن به بیماری‌های مختلف ناشی از ولادت‌های غیرعادی و در انزوا قرار گرفتن، از هم‌پاشی خانواده‌ها فرار از منزل، وقوع جرایم و اعمال خشونت‌ها، از پیامدهای درازمدت آن به شمار می‌رود.

بر اساس گزارش گزارشگر ویژه (کمیسیونر عالی) سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸، از ۴۰۵ کیس دریافت شده توسط یوناما بین جنوری و سپتامبر ۲۰۰۷ که بخش بزرگی از آن شامل زنان جوان یا دخترانی بود که ادعا می‌کردند با زور و به دلیل خشونت‌های خانگی نامزد شده‌اند یا مجبور به ازدواج شده‌اند و بر اساس این گزارش، اغلب ازدواج‌های اجباری علت مالی دارند و به‌خصوص ازدواج بدل برای سبک کردن هزینه‌های زندگی یا ضرورت‌های اقتصادی خانواده صورت می‌گیرد. همچنین بر اساس این گزارش ۴۰ تا ۵۷ درصد

این ازدواج‌ها شامل دختران زیر ۱۶ سال است. پس می‌توان گفت که فقر اقتصادی بی‌سواد و عدم آگاهی والدین از مهمترین دلایل ازدواج اطفال می‌باشد.

معمولاً نگرش‌های غالب در مناطق روستایی این است که دختران را بعد از بالغ شدن به زودی «به شوهر می‌دهند». طویانه و شرایط اقتصادی ضعیف، سبب افزایش ازدواج اطفال می‌گردد. دختران و پسران غالباً از قدرت انتخاب کمی در مورد سن ازدواج و شریک زندگی خود در درون خانواده‌هایشان برخوردارند و دختران حتی دارای استقلال کمتری می‌باشند و غالباً به ادامه تحصیلاتشان اهمیت کمتری داده می‌شود. پاسخ خانواده‌ها و اجتماعات به تلاش‌ها برای فرار کردن از ازدواج‌های اجباری معمولاً می‌تواند خشن باشد که حتی شامل قتل‌های ناموسی نیز می‌شود.

ب- اثرات زینبار ازدواج اطفال

از دواج در طفولیت برای زنان بی‌نهایت زیان‌آور است. این نوع از ازدواج اغلب از تکمیل آموزش زنان جلوگیری می‌کند و آن‌ها را در سنین پایینی از خانواده‌هایشان جدا کرده و وارد یک زندگی بیگانه و خشن می‌کند. به علاوه ازدواج در طفولیت، زنان را مجبور می‌کند تا قبل از آمادگی جسمی و روانی، مقاربت کنند و قبل از آمادگی بدن آن‌ها برای تحمل فشار جسمانی زایمان، وضع حمل کنند. همچنین مطالعه مدیکا موندیال نشان می‌دهد: زنانی که در طفولیت ازدواج کرده‌اند، از اطفال خود از نظر روانی فاصله می‌گیرند و در نتیجه صحت روانی مادر و طفل به خطر می‌افتد. در افغانستان بعضاً دختران بسیار جوان وادار به ازدواج با مردان



افغانستان تقاضای تجدید نظر حکم محکمه را در اوایل سال ۲۰۰۷ مطرح کرد، اما محکمه مدنی تاکنون در مورد تفریق نسیمه حکم نکرده است. همچنین در قضیه‌ای دیگر: «دو دختر هشت ساله و سه ساله توسط پدرشان از یک ولایت به ولایت دیگری منتقل شده و در آنجا در بدل سه هزار دالر آمریکایی به فروش می‌رسند، شخص خریدار دو طفل را به خانه خود می‌برد و به نکاح دو پسر خود در می‌آورد. کارمندان کمیسیون موضوع را با والی ولایت درمیان می‌گذارند و در نتیجه والی مبلغ سه هزار دالر را به شخص مقابل پرداخت و اطفال به پدرشان تسلیم داده شد و ایشان عازم زادگاهشان

6

از دواج در طفولیت برای زنان بی‌نهایت زیان‌آور است. این نوع از ازدواج اغلب از تکمیل آموزش زنان جلوگیری می‌کند و آن‌ها را در سنین پایینی از خانواده‌هایشان جدا کرده و وارد یک زندگی بیگانه و خشن می‌کند. به علاوه ازدواج در طفولیت، زنان را مجبور می‌کند تا قبل از آمادگی جسمی و روانی، مقاربت کنند و قبل از آمادگی بدن آن‌ها برای تحمل فشار جسمانی زایمان، وضع حمل کنند.

تغییر نگرش‌ها دارای اهمیت فوق‌العاده است اما این امر به تعهد درازمدت مسئولان حکومتی رهبران قومی و شخصیت‌های بانفوذ سازمان‌های غیردولتی و تمویل‌کنندگانی که از سازمان‌های جامعه مدنی دخیل در این کار حمایت می‌کنند، نیاز خواهد داشت.

بر اساس گزارش تحقیقی که از سوی نهاد تحقیقات حقوق زنان و اطفال در مورد ازدواج‌های قبل از وقت (قبل از رسیدن به سن قانونی بر اساس قانون مدنی افغانستان) صورت گرفته دلایل عمده ازدواج‌های قبل از وقت، فقر، محرومیت والدین از سواد، شرایط نامساعد اقتصادی و زندگی در دهات و اطراف شهرها می‌باشد. مشکلات اقتصادی خانواده‌ها از جمله مهمترین عوامل ازدواج پیش از وقت دختران به شمار می‌رود؛ زیرا خانواده‌ها اکثراً به دختران به عنوان یک متاع اقتصادی نگریسته و جهت رفع



مشکلات اقتصادی خویش این دختران را در سنین پایین به ازدواج می‌دهند. به علاوه بی‌سواد و مشکلات اساسی و بنیادی جامعه افغانستان به شمار می‌رود که اکثر بحران‌های اجتماعی از بی‌سواد ناشی می‌شود. در امر ازدواج پیش از وقت دختران، تحصیلات والدین نیز نقش مؤثر دارد. والدین بی‌سواد به دلیل عدم آگاهی از حقوق اطفال به ویژه دختران به محض رسیدن به سن تمیز و حتی قبل از آن دختران خویش را وادار به ازدواج می‌کنند. بر اساس این تحقیق محیط اجتماعی نیز اثرات خویش را در امر ازدواج قبل از وقت دارا می‌باشد. محل سکونت و تفاوت زندگی شهری و روستایی در ازدواج قبل از وقت، نقش بسیار دارد. معمولاً ازدواج قبل از وقت در روستاها بیشتر از شهرها می‌باشد.

بر اساس این گزارش ازدواج‌های قبل از وقت پیامدهای ناگواری را نیز به دنبال دارد، چنانچه عمده‌ترین پیامد آن را می‌توان از مبتلا شدن مادران و کودکان به امراض صحتی و همچنان گسترش خشونت خانگی و طلاق و فرار از منزل را نام برد. اما نکته قابل توجه در این گزارش این است که اغلب عواملی که باعث ازدواج‌های قبل از وقت می‌گردند، مانند فقر و بی‌سواد در نتیجه ازدواج‌های قبل از وقت این عوامل در اجتماع تحکیم می‌یابند.

بنابراین دولت باید ساز و کار مناسبی را برای جلوگیری از ازدواج‌های پیش از وقت و ازدواج‌های اجباری به کار گیرد تا اجتماع و خانواده را از صدمات ناشی از این نوع ازدواج‌ها محفوظ بدارد.

شدند. با اینکه اقدام والی برای حمایت از اطفال قربانی قابل تقدیر است، اما باید توجه داشت که برای جلوگیری از تکرار این اعمال به اقدامات سیستماتیک، پیشگیرانه و حمایتی نیاز است.»

ازدواج اطفال در افغانستان یک امر رایج می‌باشد. این در حالی است که قانون اساسی افغانستان به طور صریح حفاظت خانواده و اطفال تأکید کرده است. به علاوه افغانستان یکی از کشورهای متعهد به کنوانسیون حقوق کودک بوده و ملزم به رعایت و اجرای مفاد آن می‌باشد؛ اما باز هم گزارش‌های منتشر شده از نهادهایی مانند صندوق حمایت از اطفال و میدکا موندیال از واقعات فراوان از ازدواج‌های پیش از وقت در میان کودکان کشور خبر می‌دهند.

قانون مدنی افغانستان نیز ازدواج اجباری و ازدواج اطفال را منع کرده است. با این حال قضیه‌ای وجود ندارد که در آن والدین به خاطر ازدواج اطفال خود در سن پایین پیگرد قانونی شده باشند. بنابراین با توجه به رواج فراوان این نوع ازدواج‌ها در افغانستان دولت باید سیستم حمایتی کارآمدی را برای اجرای قوانین حمایت از زنان در مورد مسئله ازدواج اجباری و ازدواج اطفال را به کار گیرد. اگرچه شکل کنونی قانون محو خشونت علیه زنان به حل بعضی از این مسائل از جمله غیرقانونی دانستن ازدواج اطفال می‌پردازد، سازمان‌های حقوق زنان در افغانستان بر این باورند که تغییرات در این قانون ممکن است به اصلاحات کم در این زمینه بینجامد، اما

بسیار پیر می‌شوند. این نوع از ازدواج باعث می‌شود تا زن، خدمتکار خانواده شوهرش شود؛ زیرا مرد به اندازه‌ای پیر است که توان جنسی خود را برای تولیدمثل از دست داده است. به عنوان مثال: «در ولایت فاریاب در سال ۲۰۰۱، نسیمه در سن ۹ سالگی به ازدواج یک مرد ۷۰ ساله درآمد.

6

طبق گزارش صندوق حمایت از اطفال

(FECINU) دخترانی که در سنین

خردسالی ازدواج می‌کنند، از مرحله

طبیعی رشد روانی و فیزیکی در دوران

طفولیت محروم می‌گردند، علاوه بر نقض

حق تعلیم و تربیت و مبتلا شدن به

بیماری‌های مختلف ناشی از ولادت‌های

غیرعادی و در انزوا قرار گرفتن، از هم‌پاشی

خانواده‌ها فرار از منزل، وقوع جرایم و

اعمال خشونت‌ها، از پیامدهای درازمدت

آن به شمار می‌رود.

از آن زمان به بعد، او خدمتکار آن مرد بوده است. آن مرد توان جنسی خود را از دست داده و هرگز به نسیمه نزدیک نشده است. زمانی که نسیمه ۱۶ ساله شد، او خواستار تفریق شد. محکمه ادعای او را رد کرد و گفت که ازدواج او در سن ۹ سالگی قانونی بوده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر



آرزوهای صلح



رویکرد نیمرخ

تشدید جنگ و نقض حقوق بشری زنان و کودکان

کودکان تحمیل می‌شود. در چنین شرایطی زنان و کودکان بیجا شده، ناخواسته و جبرا وارد چرخه محرومیت‌های چندین لایه و فرسایشی شده و هر روز بیشتر از پیش از دسترسی به حقوق اولیه‌شان محروم می‌شوند. این همه در حالی است که طالبان در اکثریت مناطقی که از طریق جنگ تصرف کرده‌اند، در اولین اقدام، تلاش کرده‌اند بر آزادی‌های اجتماعی زنان محدودیت وضع کنند. زنان را از رفتن به محل کار، مکتب و حضور اجتماعی بازدارند. بر پوشش و سبک زندگی و آداب فرهنگی زنان، قیود ناشی از تفکر تندروانه خودشان را تحمیل کرده‌اند. دولت یا درگیر دفاع از ولسوالی‌ها و بزرگ‌شهرهایی است که در معرض خطر و احتمال سقوط قرار گرفته‌اند یا به فکر تلاش برای بازپس‌گیری ولسوالی‌های از دست رفته می‌باشد. اکثریت نهادهای مدافع حقوق بشر و نهادهای دیپلماتیک یا افغانستان به گونه کامل ترک کرده‌اند یا ساحه فعالیت‌شان را به بزرگ‌شهرها محدود کرده‌اند، اما در بهترین حالت ممکن است این نهادها فقط هرازگاهی به نیت ابراز تشویب و نگرانی یک اعلامیه مطبوعاتی را بیرون بدهند. پرسش اصلی این است که با ادامه جنگ و روند رو به افزایش خشونت و بحران در کشور، زنان و کودکان چه سرنوشت تلخ و روزهای دشوار در پیش خواهند داشت. کدام نهاد‌های ملی و بین‌المللی و کدام سازمان‌های فعال در عرصه پاسداری از حقوق بشر و حقوق زنان حاضر خواهند شد که بداد زنان جنگ‌زده یا این قربانیان همیشگی بحران‌های امنیتی-سیاسی کشور برسند؟

تشدید جنگ و افزایش نقض حقوق بشری زنان و اطفال شرایط امنیتی-سیاسی کشور به گونه‌ای است که هر چه به زمان تعیین شده برای خروج کامل سربازان امریکایی از افغانستان نزدیک‌تر می‌شویم، دامنه جنگ و خشونت در کشور بیش از پیش گسترش می‌یابد. دستکم در جریان ماه جاری ده‌ها ولسوالی در ولایت‌های مختلف در شمال، شمال شرق و شمال غرب کشور بدست طالبان سقوط کرده است. در فضای متشنج سیاسی و سراسیمگی جمعی ناشی از سقوط پی‌هم ولسوالی‌ها، آنچه از دید و توجه ملی و بین‌المللی دور مانده است، ابعاد انسانی فجایع ناشی از جنگ و خشونت است؛ چون واقعیت این است که با رسانه‌ای شدن خبر سقوط یک یا چند ولسوالی بدست طالبان، آنچه بیشتر از همه مورد توجه قرار می‌گیرد، نگرانی در مورد احتمال سقوط ولسوالی‌های بعدی یا تلاش برای بازپس‌گیری ولسوالی‌ها توسط نیروهای امنیتی دفاعی است. در یک چنین وضعیت، آنچه کمتر به چشم می‌آید، عمق فاجعه انسانی ناشی از جنگ است. تجربه حدود دو ماه اخیر نشان داده است که در جریان حمله‌های طالبان بر ولسوالی‌ها، هزاران خانواده مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند. خانواده‌هایی که از وضع اقتصادی متوسطی برخوردار بودند، با استفاده از سرمایه‌های نقدیشان به کشورهای همسایه مهاجرت کرده‌اند و هزاران هزار خانوار از طبقه محروم اقتصادی از قریه‌جات‌هایشان به مراکز ولایات در حاکمیت دولت گریخته‌اند و به جمع بیجاشدگان جنگ و بی‌خانمان‌شدگان پیوسته‌اند. ناگفته پیداست بخش عظیم فشارهای ناشی از بیجاشدگی بر زنان و